

## دام نامرئی

فرآیند سقوط منتظری در دام سازمان مجاهدین خلق

غلامرضا خار کوهی<sup>۱</sup>

### اشاره

مرداد سال ۱۳۶۷ یادآور واقعه تلخ تهاجم سازمان منافقین با چتر حمایت ارتش صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق به مرزهای غربی ایران است. این تهاجم که عملیات «فروغ جاویدان» نام داشت موجب شد که زندانیان منافق در شهرهای مختلف ایران خوشحال شده و آماده برای پیوستن به متجاوزان شوند تا به زعم خود زمام کشور را به دست گیرند. به همین جهت آنها ضمن ابراز خوشحالی و پایکوبی در زندان‌ها دست به شورش، آتش‌سوزی، کُشتن و ضرب و شتم توأبین واقعی زدند. در نتیجه از یک‌سورزمندگان اسلام اعم از نیروهای بسیج و سپاه و ارتش و هوانیروز با اجرای عملیات «مرصاد» به مقابله با متجاوزان پرداختند و آنها را تارومار کردند، از طرف دیگر امام خمینی در خصوص منافقین زندانی، دستور داد که آنها که هنوز بر سر موضع دشمنی با نظام اسلامی هستند و قصد جنگ مسلحانه علیه ملت دارند

۱. تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی





معدوم شوند. در این میان آیت‌الله حسینعلی منتظری که قائم‌مقام رهبری بود و می‌بایست مدافع مردمش باشد، شدیداً با این حکم مخالفت کرد و به حمایت از تروریست‌ها پرداخت. از طرفی وارثان سیاسی آیت‌الله منتظری پس از مرگش، اقدام به انتشار فایل صوتی او در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ کردند. این فایل حاوی سخنان اعتراضی و انتقادی او نسبت به اعدام منافقین - همزمان با هجوم نیروهای این سازمان با چتر حمایتی ارتش صدام - بود، که خیلی خبرساز شد. لذا به این مناسبت ما در این مقاله به شرح روابط او و عوامل بیتش با منافقین و نفوذ تروریست‌ها در دفترش می‌پردازیم.

## تعاملات دوران مبارزه

یکی از اقدامات چالش‌برانگیز آقای منتظری در دوران مبارزه، حمایت ایشان از گروه «سازمان مجاهدین خلق» بود. او نه تنها از این سازمان حمایت سیاسی و مالی می‌کرد، بلکه دیگران را نیز تشویق به حمایت از آنها می‌نمود. آقای منتظری حتی در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۵۱ - ۱۵ صفر ۱۳۹۲ ق - نامه‌ای به امام خمینی در نجف اشرف نوشت و از او خواست که نیروهای این سازمان را تأیید نماید و مورد حمایت قرار دهد. ولی امام از وظیفه اسلامی خویش سر باز نزد:

بسمه‌تعالی

۱۵ صفر ۱۳۹۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی - مدظله‌العالی

پس از تقدیم سلام و تحیت، به عرض عالی می‌رساند که چنانچه اطلاع دارید عده زیادی از جوان‌های مسلمان و متدین گرفتارند و عده‌ای از آنان در معرض خطر اعدام قرار گرفته‌اند. تصلب آنان نسبت به شعائر اسلامی و اطلاعات عمیق و وسیع آنان بر احکام و معتقدات مذهبی، معروف و مورد توجه آقایان و روحانیون واقع شده است، و بعضی از مراجع و جمعی از علمای بلاد اقداماتی برای تخلص آنان کرده‌اند و چیزهایی نوشته شده؛ و بجا و لازم است که از طرف حضرت تعالی نیز جهت تقویت و حفظ دماء آنان چیزی منتشر شود. این معنی در شرایط فعلی ضرورت دارد. چون مخالفین سعی می‌کنند آنها را منحرف قلمداد کنند. البته کیفیت آن بسته به نظر حضرت تعالی است. در خاتمه از حضرت تعالی ملتمس دعای خیر می‌باشم.

ح-ع-م.

امام خمینی نه تنها گروه «سازمان مجاهدین خلق» را تأیید نکرد، بلکه اجازه پرداخت وجوهات شرعی را نیز به آنها نداد. اما آقای منتظری، به خاطر ارتباط نزدیکی که با این سازمان داشت، از محل وجوهات مردم، به آنها کمک مالی می کرد.<sup>۱</sup> درست است که در آن زمان علاوه بر آقای منتظری شخصیت‌های دیگری هم بودند که از این گروه حمایت می کردند، اما این ایراد به فردی مثل آقای منتظری که خود را وکیل و نماینده مطلق امام خمینی در ایران و همه کاره او در اینجا می دانست! بیش از دیگران وارد است.<sup>۲</sup>

## نگاهی به کارنامه منافقین

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سران سازمان مجاهدین خلق معروف به «منافقین» انتظار داشتند حکومت جدید ایران در اختیارشان قرار گیرد. آنها برای نیل به این هدف دست به اقدامات مختلفی زدند:

۱. سرقت سلاح‌های نظامی از پادگان‌ها و تقویت تسلیحاتی سازمان؛
۲. تشکیل شاخه نظامی سازمان تحت عنوان «میلیشیا»؛
۳. توسعه تشکیلات و جذب و سازماندهی گسترده نیروهای جوان؛
۴. تلاش برای انحلال ارتش و جایگزین کردن میلیشیا به جای آن؛
۵. بهره‌برداری سیاسی از چتر حمایت برخی از شخصیت‌های معروف مثل آیت‌الله سید محمود طالقانی، شیخ حسن لاهوتی، شیخ علی تهرانی و دکتر شیخ علی گلزاده غفوری؛
۶. تلاش برای فتح مراکز قدرت از طریق نفوذ در نقاط حساس سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و قضایی؛
۷. گسترش فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، انتشاراتی و مطبوعاتی در جامعه؛
۸. افزایش آموزش‌های رزمی، تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک از نوع التقاطی، مخصوصاً وارونه‌انگاری آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه؛
۹. همدستی با بنی‌صدر رئیس‌جمهور، و نفوذ در دفتر او و بیت آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری؛
۱۰. همکاری و هم‌صدایی با تجزیه‌طلبان ضدانقلاب در مناطق قومی کشور؛
۱۱. اعلام رسمی جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و ملت ایران در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰؛

۱. از قرار معلوم نه فقط در دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی، بلکه بعد از پیروزی انقلاب نیز بخشی از وجوهات شرعی که سهم امام زمان (عج) و بیت‌المال مسلمین محسوب می‌شود، توسط آقای منتظری به جیب منافقین تروریست و لیبرال‌ها و ملی‌گراها و باند آدم‌کش سید مهدی هاشمی می‌رفته است.

۲. غلامرضا خارکوهی، فراز و فرود آیت‌الله منتظری، آماده انتشار.



۱۲. بمب گذاری در اماکن عمومی و کوچه و بازار و تخریب اموال مردم؛
۱۳. همکاری سیاسی - نظامی با ارتش متجاوز صدام، رئیس جمهور دیکتاتور عراق؛
۱۴. جاسوسی و خبر چینی برای دشمنان خارجی مخصوصاً آمریکا و اسرائیل؛
۱۵. آدم ربایی و شکنجه و کشتار مردم بی گناه ایران؛
۱۶. ربودن هواپیماهای مسافربری ایران و انتقال آن به کشورهای متخاصم؛
۱۷. سرقت اموال و سرمایه های مردم از بانک ها؛
۱۸. انجام عملیات تروریستی و شهادت مردم کوچه و بازار و مسئولان خدمتگزار؛
۱۹. سرقت اسناد و اسرار و اطلاعات محرمانه از مراکز دولتی؛
۲۰. سرسپردگی کامل به دولت های استکباری مخصوصاً آمریکا، اروپا، اسرائیل، عربستان و عراق (در زمان صدام).

در این راستا آیت الله منتظری با توجه به سابقه همکاری نزدیک با آنها در قبل از پیروزی انقلاب، و نیز به خاطر سادگی سیاسی مفرط، و ولنگاری دفترش در مواجهه با مراجعان، به عنوان یک هدف مهم در دستور کار سازمان منافقین قرار گرفت؛ به طوری که از سال ۱۳۶۴ که ایشان به عنوان جانشین امام و رهبر آینده جمهوری اسلامی معرفی شد، مخفیانه در کانون توجه منافقین و جاسوسان این سازمان قرار گرفت. پیش از آن آقای منتظری در پیام ها و سخنان خود بارها از این سازمان با عنوان «منافقین» یا تعابیر تند دیگر یاد کرده بود، اما بعد از انتخابش به عنوان قائم مقام رهبری، به تدریج تحت تأثیر منافقین و لیبرال های نفوذی، این کلیدواژه را از ادبیات سیاسی خود حذف نمود، تا جایی که حتی به دفاع از آنان پرداخت و نوشت: تعبیر به «منافق» در مورد «سازمان مجاهدین خلق» صحیح نیست.<sup>۱</sup>

### مجاری نفوذ عوامل منافقین در بیت منتظری

«نفوذ» موضوع جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی نیست. قبل از انقلاب همه چیز ایران در دست امریکایی ها و انگلیسی ها بود. آنها همه جا آدم داشتند. اما انقلاب که پیروز شد همه چیزشان به هم ریخت. لذا از اول پیروزی انقلاب دشمنان ملت برای تغییر دادن مسیری که امام خمینی دنبالش بود، به طرح نفوذ در ارکان انقلاب پرداختند.<sup>۲</sup> در این میان کارشناسان سازمان سیا با ارزیابی عمیق آقای منتظری، به این نتیجه رسیدند که او به دلیل ناتوانی در فهم مسائل سیاسی و شخصیت ساده لوحی که دارد، به آسانی فریب می خورد. سفارت امریکا در

۱. خاطرات آیت الله منتظری، اتحادیه ناشران ایرانی در اروپا، ۱۳۷۹، ص ۶۲۰.

۲. مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی، رمز عبور، ش ۲۲، مهر و آبان سال ۱۳۹۵، ص ۶.

تهران در گزارش محرمانه مورخ ۶ آبان ۱۳۵۸ در مورد ملاقات عوامل خود با آقای منتظری چنین نوشت:

کارمند سیاسی سفارت و کارمند اعزامی وزارت خارجه امریکا در ۱۲۵ اکتبر به مدت ۴۵ دقیقه با آیت‌الله حسینعلی منتظری در دفتر وی در مجلس خبرگان ملاقات کردند... با توجه به این ملاقات کوتاه مدت، ما چنین احساس می‌کنیم که وی یک متفکر سیاسی متبحر نبوده، و اکثر مطالبی که به وی استناد می‌شود یا برایش نوشته شده و یا توسط دیگران در دهانش گذاشته‌اند.<sup>۱</sup>

به گفته حجت‌الاسلام حیدر مصلحی وزیر سابق اطلاعات، احساس دشمن و استکبار از انقلاب ما این بود که این انقلاب مثل بقیه انقلاب‌های دیگری است که در دنیا اتفاق افتاده است؛ مثل انقلاب روسیه، فرانسه و در کشورهای اسلامی الجزایر، مصر و جاهای مختلف. در همه این انقلاب‌ها بعد از مدت کوتاهی اوضاع سر جای اولش برگشت. اما در انقلاب اسلامی امام خمینی از همان ابتدا با سرعت ساختاری را چید که دشمنان به راحتی نمی‌توانستند با آن مقابله و در آن نفوذ کنند. یکی از بحث‌های جدی این ساختار مقوله ولایت فقیه و رهبریت نظام است.<sup>۲</sup> لذا وقتی دشمن دید در اطراف امام خمینی نمی‌تواند نفوذ کند، به سراغ قائم مقام و جانشین او رفت. به طوری که به گفته سردار یوسف فروتن، افکار منافقان بر بیت آقای منتظری چنان حاکم شد که او همواره تحت تأثیر گزارش‌های منافقانه افرادی که در بیتش رفت و آمد می‌کردند قرار داشت.<sup>۳</sup>

منافقین از مجاری مختلف ذهن آقای منتظری را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند. گاهی با تدوین و ارسال نامه‌ها و اسناد جعلی به عنوان افشای مظالم جمهوری اسلامی در زندان‌ها یا جاهای دیگر، او را نسبت به امام و مقامات حکومتی بدبین می‌کردند؛ گاهی افرادی ظاهراً به عنوان توابع در بیت منتظری رفت و آمد و با شخص او ملاقات می‌کردند؛ یا اعضای تروریست سازمان منافقین که در زندان‌ها بودند به نامه‌نگاری‌های دروغین برای او می‌پرداختند، یا با نماینده اعزامی آقای منتظری در زندان ملاقات می‌کردند و مطالب خود را به او القاء می‌نمودند و به واسطه او این القائات شیطانی به آقای منتظری منتقل می‌شد و روی ذهنش اثر منفی می‌گذاشت. حتی سید هادی هاشمی - رئیس دفتر آقای منتظری - معتقد

۱. اسناد لانه جاسوسی امریکا (اسناد منتشر نشده) کتاب دهم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۷۰۶ و ۷۰۸.

۲. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی، همان.

۳. آرشیو شخصی مؤلف، مصاحبه با سردار یوسف فروتن، ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۹۶.





بود که سازمان مجاهدین خلق بر رژیم جمهوری اسلامی ارجحیت دارد و بیت منتظری باید با منافقین خارج کشور ارتباط داشته باشد!<sup>۱</sup>

تأثیر پذیری آیت‌الله منتظری از منافقین آنقدر عمیق شد که او در مرداد سال ۱۳۶۷ طی نامه‌ای به امام خمینی صراحتاً از اعدام چند منافق تروریست دفاع کرد و خبرش را نیز عوامل نفوذی بیتش به رسانه‌های خارجی دادند و تبلیغات زیادی علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند. همه این تسهیلات توسط باند سید مهدی و سید هادی هاشمی و سعید و احمد منتظری و برخی دیگر از عوامل اطراف آیت‌الله منتظری فراهم شد.<sup>۲</sup>

### تعامل نزدیک زندانیان منافق با رابط آقای منتظری

یکی از راه‌های نفوذ منافقین در افکار آیت‌الله منتظری از طریق منافقینی بود که به خاطر رأفت جمهوری اسلامی اعدام نشده و در زندان‌ها نگهداری می‌شدند. این افراد از داخل زندان نه می‌توانستند به بیت منتظری مراجعه کنند و نه می‌توانستند با او ملاقات نمایند. اما از طریق واسطه یک رابط متنفذ بهترین تأثیر را روی افکار او می‌گذاشتند و مأموریت شیطانی خود را انجام می‌دادند. این واسطه آقای انصاری نجف‌آبادی بود که ظاهراً نام واقعی‌اش «ناصری» بوده است. آقای انصاری یکی از نمایندگان آیت‌الله منتظری در امور زندان‌ها بود.

برای معرفی او کافی است دو نکته را روشن نماییم: اولاً او یکی از افراد پروپاقرص باند سید مهدی هاشمی بود. چنان که وقتی در مهر ماه سال ۱۳۶۵ سید مهدی بازداشت شد، آقای انصاری نجف‌آبادی برای دفاع از او، به اتفاق شخص آیت‌الله منتظری و فرزندش - سعید - و دامادش سید هادی هاشمی به اضافه آقایان علی اصغر کیمیایی فر، سلمان صفوی، ابوشریف و حسن نژاد، اقدام به تدوین و انتشار اطلاعیه‌ای با عنوان جعلی «جمعی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم» نمود.<sup>۳</sup>

ثانیاً مسئولیتی فراتر از توان آقای انصاری نجف‌آبادی به او سپرده شد. آقای منتظری فردی ساده‌لوح و خوش‌باور مثل خودش را برای نمایندگی در امور زندان‌های سیاسی و نظارت بر کار قضات برجسته تعیین کرد. در حالی که زندانیان سیاسی افراد معمولی نبودند، بلکه کمونیست‌ها و منافقین و تروریست‌ها و جاسوسان کارگشته‌ای بودند که تا آن زمان دستشان به خون ۱۵ هزار زن و مرد بی‌گناه - پیر و جوان و کودک - آلوده بود و در خدمت

۱. اخذ از اعترافات سید مهدی هاشمی، رک: حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، رنجنامه، ص ۳۹-۳۸.

۲. غلامرضا خارکوهی، همان.

۳. این اطلاعیه در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۶۵ منتشر شد. رک: محمد محمدی ری‌شهری، سنجه انصاف قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲.

ارتش صدام و مراکز جاسوسی امریکا و انگلستان و اسرائیل و عربستان بودند. لذا برای سخن گفتن با چنین زندانیان سیاسی خطرناک و حرفه‌ای لازم بود فردی مطلع، با هوشیاری سیاسی بالا و مسلط به ترفندهای منافقین تعیین شود. به همین جهت آقای انصاری نجف آبادی به راحتی از منافقین زندانی گول می‌خورد و تحت تأثیر مظلوم‌نمایی و دروغ‌های آنها قرار می‌گرفت. اما آیت‌الله منتظری که او را «مرد فاضل خوبی» می‌دانست، به عنوان نماینده ویژه خود برای نظارت بر کار دادستان‌ها و بازجوها و زندانبانان تعیین نمود.

برای روشن‌تر شدن موضوع کافی است ابتدا فردی به نام ایرج مصداقی را که از اعضای قدیمی و با تجربه سازمان منافقین در زندان بود، معرفی نماییم. او در سال ۱۳۶۰ دستگیر شد و به خاطر جنایات زیادش علیه مردم به ده سال زندان محکوم گردید. او از رهبران اصلی تشکیلات و شبکه مخفی منافقین در زندان محسوب می‌شد و نقش بسیار پررنگی در شست‌وشوی مغزی جوانان فریب‌خورده سازمان و تلاش برای عدم بازگشت آنان به دامن ملت داشت. به قول خودش او «منافق تیر» محسوب می‌شد؛ یعنی کسی که شایسته تیرباران است. هر چند که رأفت جمهوری اسلامی باعث شد که او و بسیاری از تروریست‌های دیگر اعدام نشوند.

ایرج مصداقی پس از آزادی از زندان به خارج از کشور گریخت و مجدداً به دوستان منافقش پیوست، و هم اکنون با کمک رسانه‌های غربی مشغول تبلیغات دروغین، علیه جمهوری اسلامی است. او در خارج کشور چهار جلد کتاب علیه جمهوری اسلامی نوشت که آن را توسط انتشارات «آلفابت ماکزیم» در سوئد منتشر کرد، و در آن به تشریح خاطرات دوره زندان خود پرداخت. او در لابه‌لای کتابش - در عین آن که بسیار ماهرانه سعی کرده تصویر وحشتناک مورد نظر خود را از زندان‌های ایران عرضه کند - ناخواسته حقایق را لو داده است. از جمله چنین نوشته است:

روزی، در حالی که در بهداری روی تختم دراز کشیده بودم، در اتاق باز شد و آخوندی به نام ناصری [انصاری نجف آبادی] به همراه پاسداران و مسئول بهداری وارد اتاق شدند. وی خودش را ناصری «نماینده آیت‌الله منتظری در امور زندان‌ها» معرفی کرد و تلاش کرد که با تک‌تک ما صحبت کند.<sup>۱</sup>

مصداقی از صحبت با او امتناع نمود، ولی نماینده آیت‌الله منتظری با خواهش و اصرار به صحبت با مصداقی پرداخت. طبق مطالب این کتاب، مصداقی در صحبت‌هایش بسیار از موضع بالا برخورد کرد تا نشان دهد که از هر چه رنگ و بوی نظام دارد متنفر است؛ اما با

۱. ایرج مصداقی، *خاطرات زندان*، سوئد، آلفابت ماکزیم، ج ۲، ص ۱۳۶.





کمال تعجب، چند روز بعد از آن صحبت‌ها، مصداقی را به دفتر زندان فرامی‌خوانند و در آنجا با «انصاری نجف‌آبادی» (یعنی ناصری) مواجه می‌شود که منتظر اوست. مصداقی شرحی از گفت‌وگوی خود با انصاری را در کتابش آورده و مدعی شکنجه روی خود و دیگر زندانیان شده است. باید توجه کرد که در سازمان منافقین طبق یک مَسْئِی تشکیلاتی، اعضاء موظف بودند با تمام توان راجع به انواع شکنجه‌های دروغین روی خود سخن بگویند و آن را واقعی جلوه دهند. به این منظور حتی گاهی زندانیان زن منافق که محکوم به اعدام بودند، خود را ازاله بکارت می‌کردند، و نیز برخی زندانیان مرد منافق محکوم به اعدام، آلت خود را با سیگار می‌سوزاندند تا پس از آن که جسدشان به خانواده‌شان تحویل شد، آنها به شکنجه شدن فرزندانشان یقین کنند!

مصداقی نوشته که:

[انصاری] چند بار در خلال صحبت‌هایش گفت: من دست شما را می‌بوسم، می‌دانم مظلوم واقع شده‌اید. «آقا» [یعنی آیت‌الله منتظری] از طریق من مطلع شده‌اند که در اینجا چه گذشته است و بر سر زندانیان و به ویژه زنان چه آمده است... وقتی آقا متوجه اوضاع شدند، از خشم در اتاق دور خودشان می‌چرخیدند و بد و بیراه می‌گفتند. عاقبت خبر داد که دو روز پیش نیز جمعی از بازجویان و کارمندان دادستانی و زندان‌ها را به حضور پذیرفته و خیلی به آنها تاخته که امکان پخش آن از تلویزیون نیست... [انصاری] سپس افزود: در [زندان] اوین عده‌ای امامشان شده است لاجوردی، این «قصاب» و «فاشیست جنایت‌کار». <sup>۱</sup> اینها دقیقاً تعابیر وی نسبت به لاجوردی بود... ارزبایی [منفی] او از لاجوردی دست من را برای برخورد‌های بعدی باز کرد.<sup>۲</sup>

۱. آقای انصاری نجف‌آبادی نماینده آیت‌الله منتظری در حالی شهید سید اسدالله لاجوردی را جلوی منافقین، «قصاب و فاشیست» معرفی می‌کند که شهید لاجوردی از نیروهای مبارز و مذهبی بود که شناخت فوق‌العاده‌ای درباره گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب مخصوصاً درباره سازمان منافقین و مارکسیست‌ها داشت و منافقین دشمنی زیادی با او داشتند؛ زیرا آن شهید در افشای خطوط انحرافی این جریان‌ها و مبارزه با تروریست‌ها تلاش زیادی به عمل می‌آورد. او در سال ۱۳۱۴ در خانواده‌ای مذهبی متولد شد و در اوایل دهه چهل به عضویت شورای مرکزی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی - که یک گروه مذهبی و سیاسی مبارز بود - در آمد. او در اواخر سال ۱۳۴۳ به دلیل مشارکت داشتن در ترور حسنعلی منصور - نخست‌وزیر بهایی رژیم شاه - دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. اما پس از آزادی دست از مبارزه نکشید و باز در سال ۱۳۴۸ دستگیر شد و زیر شکنجه‌های سخت قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۵۳ بازداشت شد و به هجده سال حبس محکوم گردید. بعد از پیروزی انقلاب شهید لاجوردی دادستان انقلاب تهران شد و سال‌ها ریاست سازمان زندان‌های کشور را بر عهده داشت. او در اول شهریور سال ۱۳۷۷ توسط منافقین ترور شد و به شهادت رسید. رک: شهید سید اسدالله لاجوردی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷.

۲. ایرج مصداقی، همان، ص ۱۳۸-۱۳۷.



آقای انصاری که با دروغ‌های مصداقی و دیگر منافقین پخته شده بود، با اصرار و التماس از مصداقی می‌خواهد تا شخصاً این مسائل را برای آیت‌الله منتظری بنویسد. به نوشته آقای مصداقی:

[انصاری] گفت: خواهش می‌کنم اینها را برای «آقا» بنویس. گفتم: به من چه ربطی دارد، من که نماینده او نیستم. شما که نماینده او هستید، این وظیفه را دارید. گفت: من خودم این کار را انجام خواهم داد ولی شما نیز لطفاً دریغ نکنید و از نگاه خودتان مسائل را مطرح کنید... [انصاری] دوباره تأکید کرد: خواهش می‌کنم اینها را برای «آقا» بنویس و توضیح بده.<sup>۱</sup>

ادامه صحبت‌های آن دو مفصل است و انصاری هر چه را مصداقی می‌گوید تأیید می‌کند و بعد از اتمام بحث، انصاری مجدداً از مصداقی می‌خواهد که اینها را برای آقای منتظری بنویسد. مصداقی در ادامه کتاب خاطراتش می‌گوید:

من یک موضوع کلی را در ذهنم مبنا گرفتم و آن واقعی بودن تضاد بین منتظری و وابستگی‌اش با خمینی و جریان حاکم بر زندان‌ها بود... شرایط حاکم بر زندان‌ها، پاشنه آشیل منتظری بود. او خود در زمان شاه در زندان به سر برده بود و با شرایط زندان به خوبی آشنا بود و به سادگی می‌توانست شرایط زندان‌های جمهوری اسلامی را با شرایط زندان‌های زمان شاه و آنچه که خود در رژیم «طاغوت و ضداسلامی» تجربه کرده بود، مقایسه کند. احساس می‌کردم بر ملا کردن شرایط وحشتناک زندان‌ها و تمامی اعمال ضدبشری که بر زندانیان روا می‌داشتند[!]، ممکن است او را بشکند. معتقد بودم که منتظری از یک صداقت نسبی [بخوانید ساده‌لوحی] برخوردار است. احساسم این بود که فاصله گرفتن او از خمینی، چه بسا به سود جنبش باشد و باعث آزاد شدن انرژی‌های زیادی شود. اگر نگاشتن آنچه که ناصری [انصاری] بر آن اصرار می‌ورزید، در این راستا به کار آید چه ایرادی دارد؟<sup>۲</sup>

ایرج مصداقی هم مثل سید هادی و سید مهدی هاشمی تلاش تدریجی خود را برای منفی کردن ذهن آیت‌الله منتظری و جدا کردن او از امام و نظام جمهوری اسلامی استوار کرد. مصداقی سپس در گزارش مفصلی به صورت یک کتابچه چهل صفحه‌ای، شرح سوزناکی از

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۴۲-۱۴۱.





تعدادی از شکنجه‌های خیالی را برای آیت‌الله منتظری نوشت و صریحاً اذعان کرد که این کتابچه را به گونه‌ای نوشته که بر روی افکار آقای منتظری تأثیر بگذارد.

مصدیقی این دفترچه را به انصاری نجف آبادی - نماینده آیت‌الله منتظری در امور زندانیان سیاسی - داد و انصاری هم آن را مستقیماً به دست منتظری رساند تا خواسته یا ناخواسته، نقشه منافقین را تکمیل کرده باشد. یک هفته بعد انصاری با مراجعه به زندان، به مصداقی گفت: مطالب را به همان شکل که نوشته بودی به آیت‌الله منتظری دادم و فقط نام تو را حذف کردم، زیرا ترسیدم «آقا» حواسشان نباشد و اینها را به شورای عالی قضایی و یا نهادهای ذیربط برای بررسی و رسیدگی بدهند و آنها گریبان تو را بگیرند که چرا چنین چیزهایی را مطرح کرده‌ای.<sup>۱</sup>

این تنها یک نمونه از اقدامات منافقین بود که به سادگی دروغ‌های خود را علیه جمهوری اسلامی به شخص آقای منتظری منتقل می‌کردند و او هم با استناد به همین گزارشات دروغ، به امام و سایر مسئولان نامه می‌نوشت یا در سخنرانی‌های خود کل نظام را زیر سؤال می‌برد.<sup>۲</sup>

### عملیات فروغ جاویدان و آشکار شدن اثر القائنات منافقین

تا این زمان تنها بخشی از منویات انحرافی آقای منتظری از کوزه برون تراویده بود! و بخش مهم‌تر آن مثل آتش زیر خاکستر هنوز پنهان بود؛ تا این که چند روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، در اوایل مرداد سال ۱۳۶۷ سازمان منافقین با حمایت ارتش صدام دست به حمله نظامی به ایران زد. در این زمان دلبستگی بیش از پیش منتظری به تروریست‌ها آشکار شد؛ زیرا او صریحاً به دفاع از آنها پرداخت.

ماجرای این قرار بود که صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمایت آشکار آمریکا و انگلیس، اروپا و شوروی و کشورهای عرب خلیج فارس بدون هیچ دلیل موجهی به کشور جمهوری اسلامی حمله نظامی کرد که مدت هشت سال به طول انجامید. در طول این سال‌ها نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق مخفیانه از ایران خارج شدند و به ارتش صدام پیوستند. بخش دیگری از منافقین هم در ایران ماندند و به بمب‌گذاری و جاسوسی و ترور مردم و مسئولان پرداختند. لذا افراد وابسته به این سازمان و گروه‌های دیگر در طول هفت سال - سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ - بیش از هفده هزار نفر از مردم عادی

۱. همان، ص ۱۴۳.

۲. غلامرضا خارکوهی، همان.



اعم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک بی‌گناه ایرانی را ترور و شهید کردند،<sup>۱</sup> ده‌ها هزار نفر را نیز مجروح نمودند، و مغازه‌ها و ساختمان‌ها و اتومبیل‌های زیادی را هم به آتش کشیدند. حکم قضایی چنین افرادی به فتوای آقای منتظری «حکم مفسد فی الارض» یعنی اعدام بود. اما با وجود این تعداد بسیار اندکی از آنها اعدام شدند و اکثریت قاطع آنها زندانی و سپس آزاد گشتند. تا این که در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷ دولت ایران به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را درباره توقف جنگ هشت‌ساله با عراق می‌پذیرد. در این میان ارتش صدام و نیروهای نظامی سازمان مجاهدین خلق - منافقین - به طور مشترک طی چند روز پیاپی به خاک ایران حمله کردند و برخی از شهرها و روستاهای غرب و جنوب کشور را تصرف نمودند و عده‌ای از مردم بی‌دفاع را به شهادت رساندند و هزاران نفر را از خانه و کاشانه‌شان آواره نموده و موطن‌شان را خراب کردند. همزمان با پیشروی نیروهای سازمان منافقین به داخل خاک ایران، این سازمان از طریق ایستگاه رادیویی خود در عراق و رابطن مخفی شبکه سازمانی خود در ایران، از هوادارانش خواست که دست به شورش علیه نظام بزنند و به زودی منتظر فتح تهران باشند. به دنبال آن تحرکات و شورش‌هایی نیز در زندان‌ها توسط اعضای این سازمان انجام شد، و برخی هواداران سازمان هم در سطح جامعه آماده آشوب و شورش در سطح شهرها شدند. به طوری که در آستانه عملیات فروغ جاویدان، مسعود رجوی - رهبر منافقین - از داخل خاک عراق گفت:

بر اساس تصمیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... از پایگاه نوژه هم ترسی نداشته باشید؛ هر سه ساعت به سه ساعت دستور می‌دهم هواپیماهای عراقی بیایند و آنجا را بمباران کنند. پایگاه هوایی تبریز را هم با هواپیما هر سه ساعت به سه ساعت مورد هدف قرار خواهیم داد... از طرفی درب زندان‌ها که باز شود آنها هم با ما هستند و با ما همراهی خواهند کرد. نیروهای زندان، بالقوه با ما هستند.

او این سخنان را سه روز قبل از آغاز عملیات و یک هفته قبل از آغاز اعدام‌ها در تالار اجتماعات «قرارگاه اشرف»<sup>۲</sup> بیان کرد. لذا زندانیان مجاهدین از این حمله خبر داشتند و

۱. جمع کل ایرانیانی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط سازمان منافقین و سایر گروه‌های ضدانقلاب با ترور و پیمپ‌گذاری و شکنجه به شهادت رسیده‌اند، بیش از هفده هزار نفر می‌باشند که بالغ بر دوازده هزار نفرشان مستقیماً توسط منافقین شهید شده‌اند.

۲. «قرارگاه اشرف» یا «پادگان اشرف» در کشور عراق قرار داشت و به نام «اشرف ربیعی» همسر اول مسعود رجوی نامگذاری شده بود. اشرف ربیعی در سال ۶۰ به خاطر درگیری مسلحانه با پاسداران انقلاب معدوم شد. پادگان اشرف را صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق در اختیار منافقین فراری از ایران گذاشت تا آنان را برای جنگ با ایران به خدمت خود درآورد.



خشنودی خود را از طریق برپایی جشن و سرودخوانی در زندان اعلام کرده بودند.<sup>۱</sup> آنها با شنیدن خبر حمله گسترده دوستان منافقشان به ایران، در زندان‌ها دست به اغتشاش و درگیری زدند و قصد فرار و تخریب زندان را داشتند تا به ارتش مشترک صدام و منافقین پیوندند. قرار بود پس از اشغال هر شهر، آنان به ارتش منافقین پیوسته و در فتح تهران شرکت نمایند.

البته برنامه‌ریزی منافقین ناکام ماند و لشکر ویژه سپاه پاسداران و یگان‌های ارتش ایران با همکاری مردم، نقشه‌های آنان را نقش بر آب کردند؛ به طوری که ارتش به اصطلاح آزادبخش منافقین حتی نتوانست اولین زندان که زندان دیزل آباد کرمانشاه بود را آزادی ببخشد! مقارن با ناکامی ارتش رجوی، شورش منافقین در زندان‌ها رخ داد، و این نشانگر آن بود که شبکه زندانیان منافقین در ایران به خوبی هماهنگ و فعال است.<sup>۲</sup> البته عملیات «فروغ جاویدان» تبدیل به «مرصاد» شد و منافقین متجاوز به ایران، در همان ابتدای راه تار و مار شدند، اما شبکه زندانیان منافق که قرار بود نیروی ذخیره فروغ جاویدان باشند، هنوز باقی مانده بودند.<sup>۳</sup> حجت‌الاسلام دکتر سید حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی در این زمینه می‌گوید:

منافقینی که در زندان‌های ایران توبه کرده بودند، همزمان با حمله منافقین بغداد، در زندان‌های مختلف سراسر کشور، دست به آشوب در داخل زندان زدند و به هم‌صدایی با منافقین بغداد پرداختند.<sup>۴</sup> این اقدامات نشان داد که توبه منافقین یک توبه فریبکارانه جهت آماده شدن برای یک روز خاص بود... من آن زمان به دلیل این که جلد سوم کتاب نهضت/امام

1. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

۲. آقای یعقوب توکلی می‌گوید: شاید سؤال شود مگر می‌شود از داخل زندان با بیرون ارتباط برقرار کرد؟ باید گفت اساساً اگر زندانی سیاسی نتواند با سازمانش یا سازمانی نتواند با زندانی سیاسی خود ارتباط برقرار کند، باید فاتحه هر دو را خواند. اصلاً اولین کاری که یاد می‌گیرند، نحوه برقراری ارتباط است. به خصوص در فضای ایران که آن قدرها هم مشکلات ارتباطی جدی وجود نداشت و آن روزها... وضعیت جنگ هم به هم ریخته بود، اینها جسارت پیدا کرده بودند. نکته بعدی این که اگر عملیات منافقین به پیروزی می‌رسید و کشور به دست سازمان مجاهدین خلق می‌افتاد منطقه چه وضعیتی پیدا می‌کرد؟ آن موقع «صدام حسین» و «مسعود رجوی» بر خاورمیانه مسلط می‌شدند و دقیقاً چیزی شبیه این وضعیت در جریان «شاهسلطان حسین» اتفاق افتاد که در آن زمان ایران از عثمانی‌ها شکست خورد و آنها بخشی از کشور را گرفتند، روس‌ها هم از طرف شمال آمدند و یک اوضاع عجیب و غریبی شکل گرفت. امام خمینی (ره) شجاعت به خرج دادند. اما دکتر مصدق در ۲۸ مرداد این شجاعت را به خرج نداد و کشور از دست رفت. اگر این اتفاق نمی‌افتاد و جنگ‌های داخلی در کشور شکل می‌گرفت ما در عوض باید صدها هزار کشته می‌دادیم، ولی امام خمینی کسی بود که همیشه روش‌های ایشان ضد جنگ‌ترین روش‌ها بوده است. رک: [www.borhan.ir/NSite/FullStory/Id=9477](http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/Id=9477)

3. [www.hodhodnews.ir/news/646590](http://www.hodhodnews.ir/news/646590) و [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)

۴. این بخش از سخنان حاج آقا روحانی، اندکی تلخیص و ویرایش شد.

خمینی را که مربوط به منافقین بود، می‌نوشتم با بسیاری از این منافقین که جزء آشوب‌گران بودند مصاحبه گرفتم. یکی از این افراد خانمی بود به اسم آیت‌اللهی، ایشان از توابعین بود و موضع منفی نسبت به سازمان مجاهدین خلق داشت. اما همین فرد در زندان چنان آشوب به پا کرد و زندان را به آتش کشید که خانم‌هایی را که از توابعین واقعی بودند به شدت شکنجه داد و موی سر یکی از خانم‌ها را چنان کشیده بود که کاملاً از ریشه کنده شده و اندازه کف دست سفیدی سر او نمایان شده بود. وقتی این خانم را به بازجویی کشیدند که شما از توابعین بودید، چرا این کار را کردید؟ در پاسخ گفته بود من هفت نفر از بستگان نزدیک خودم را به سازمان کشاندم که همه آنها یا کشته یا از کشور فراری شده‌اند، مگر می‌توانم از آنها برگردم، اگر آنها به جهنم می‌روند یا به بهشت، من هم باید بروم.<sup>۱</sup>

منافقین زندانی که قبلاً به طور تاکتیکی توبه کرده بودند، با ایجاد آشوب و آتش زدن زندان‌ها، به گمان خود می‌خواستند تا رسیدن منافقین بغداد، اشغال تهران را کامل و کار را یکسره کرده باشند. در پی این اقدام، امام صراحتاً فرمودند آنهایی که بر سر موضع هستند مهدورالدم‌اند و باید محاکمه و مجازات شوند. امام حکمی به این شرح صادر نمود:

از آنجا که منافقین خائن به هیچ‌وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حيله و نفاق آنهاست، و به اقرار سران آنها، از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق، و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنها با استخبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رأی اکثریت آقایان حجت‌الاسلام نیری قاضی شرع و آقای اشراقی دادستان تهران و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد. گرچه احتیاط در اجماع است، و همین‌طور در زندان‌های مراکز استان رأی اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام





در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایی که تشخیص موضوع بر عهده آنان است، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند «أشداء علی الکفار» باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد.<sup>۱</sup>

با صدور حکم امام تردیدی در وضعیت نهایی برخی از اعضای منافقین زندانی و این که وضعیت این افراد آیا با منافقین جدید دستگیر شده در نامه امام صدق می‌کند یا نه، ایجاد شد. این تردید تا جایی پیش رفت که مرحوم حاج سید احمد خمینی طی نامه‌ای از امام در خصوص افراد یادشده سؤال می‌کند و این گونه پاسخ می‌گیرد:

بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریع‌تر اجرا گردد، همان مورد نظر است.<sup>۲</sup> در خصوص دلایل صدور این حکم که از مبانی فقهی و حقوقی مستحکمی برخوردار است می‌توان به اختصار به این موارد اشاره کرد: وضعیت حساس نیروهای نظامی ایران در جبهه‌ها، نگرانی مردم در داخل کشور به واسطه انعکاس تحولات جبهه‌ها، تبلیغات وسیع رادیوهای بیگانه درباره پیشروی‌های عراق در خاک ایران، ورود مستقیم امریکا به صحنه جنگ با ایران در خلیج فارس از طریق هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ما، پیشروی نیروهای منافقین به داخل خاک ایران و تصرف چند روستای مرزی و شهر اسلام‌آباد غرب،

۱. منافقین در سال ۱۳۶۰ هم دست به شورش علیه جمهوری اسلامی و کشتار مردم زده بودند. اما در سال ۱۳۶۷، وضعیت متفاوت بود. در سال ۶۰ سازمان منافقین اگر چه از حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی بیگانه بهره می‌برد و یک گروه ضدانقلاب داخلی به شمار می‌آمد که دست به عملیات تروریستی و انفجاری در داخل می‌زد - که البته با عوامل آن نیز برخورد شد - ولی در سال ۶۷ این گروه در قالب یک «ارتش متجاوز» ظاهر شد که از پشتیبانی کامل و آشکار نیروهای نظامی بیگانه برخوردار بوده، و با اتکاء به همین پشتیبانی‌ها توانسته بود راه خود را به داخل خاک ایران باز کند و بخشی از آن را به اشغال خود درآورد؛ و در کنار آن مسائلی نظیر آشوب منافقین در زندان‌ها و آغاز فعالیت آنها در سطح جامعه برای ایجاد شورش، بیانگر موج تازه توطئه‌های این گروه تروریستی با حمایت آشکار دول خارجی بود. از سوی دیگر امریکا نیز با حضور پررنگ نظامی در خلیج فارس و هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافربری و حمله به ناوچه‌ها و نفتکش‌های ایرانی عملاً وارد عرصه جنگ با نظام جمهوری اسلامی شده بود. و طبعاً از نیروهای نظامی معارض نیز حمایت به عمل می‌آورد. در این شرایط امام خمینی به منظور خنثی کردن توطئه‌ای که در حال شکل‌گیری علیه ملت ایران بود، ضمن سفارش‌های لازم به منظور تشخیص صحیح «بر سر موضع نفاق بودن»، دستور برخورد با عوامل داخلی این توطئه را صادر کرد. (ر.ک: مسعود رضایی و عباس سلیمی نمین به اضافه خبرگزاری ایسنا به نقل از پارسینه و سایت پرسمان دانشجویی وابسته به اداره مشاوره نهاد رهبری، پاسداشت حقیقت، تهران، دفتر مطالعات و تدوین ایران، ۱۳۸۱)

۲. خاطرات آیت‌الله منتظری، همان، ص ۵۲۰.

بروز تحرکات و تنش‌هایی در زندان‌های سیاسی کشور با سردمداری عناصر بر سر موضع منافقین، آغاز فعالیت برخی از هواداران این سازمان در سطح جامعه برای برپایی آشوب و شورش در شهرها، انتشار پیام‌های مستمر سازمان منافقین از طریق رادیوهای خارجی برای تحریک مردم به شورش.

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس وقت قوه قضائیه و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه (۱۴ مرداد ۶۷) گفت:

جمع کثیری از ایران رفته‌اند و آنجا [در پادگان اشرف منافقین در عراق] برای خودشان بساط و دستگاه و سازمان درست کرده‌اند. یک جمعی هم در ایران در زندان‌ها هستند... مردم علیه اینها آن چنان آتشی [و عصبانی] هستند، [که] قوه قضائیه در فشار بسیار سخت افکار عمومی است که چرا اینها را محاکمه می‌کنید؟ اینها که محاکمه ندارند، حکمش معلوم، موضوعش هم معلوم است و جزایش نیز معلوم می‌باشد. قوه قضائیه در فشار است که اینها چرا محاکمه می‌شوند، قوه قضائیه در فشار است که چرا تمام اینها اعدام نمی‌شوند؟ و یک دسته‌شان زندانی می‌شوند.<sup>۱</sup>

مردم در استقبال از این سخنان در نماز جمعه آن روز تهران، شعار می‌دادند: «منافق زندانی اعدام باید گردد.»

به گفته حجت‌الاسلام نونام، منافقین زندانی در «قضیه مرصاد» در زندان‌های مختلف کشور به هلهله و شادی پرداختند و از عملیات مسلحانه منافقین علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند. بعد از شکست آنها در عملیات مرصاد، تحقیقات و بازرسی‌هایی از زندان‌ها و بندهایی که منافقین در آنها حضور داشتند صورت گرفت و اسناد و مدارکی کشف شد که نشان داد اینها خودشان را از زمان‌های گذشته برای روزی که منافقین به خیال خودشان بر ایران حکومت کنند، آماده کرده بودند. برخی از آنها در حد این که ارکان حکومت منافقین باشند مطرح شده بودند و این اسناد به دست آمد... حضرت امام با آن پیامی که دادند مشخص است که توجه داشتند به این که اینها محکومان به اعدام بودند که به خاطر توبه اعدام نشدند، و به حکم قانون مجازات اسلامی که تصریح کرده محارب باید اعدام شود حکم اعدام برایشان اجرا نشد... امام یک ابداعی در اینجا داشتند، در حالی که می‌توانستند بگویند مثلاً چند نیروی اطلاعاتی بنشینند و محاکمه کنند، ولی این کار را نکردند و تعدادی قاضی را در احکام سلب حیات مورد عنایت قرار دادند. لذا فرمودند تیمی متشکل از رؤسای

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز ۱۴ مرداد ۱۳۶۷.





دادگاه‌های انقلاب، دادستان‌ها که همه قاضی هستند و البته یک نیروی اطلاعاتی نیز به دلیل تخصص اطلاعاتی‌اش انتخاب شده و این موضوع را بررسی کنند... این که بعضی می‌گویند این منافقین بدون حضور قاضی به اعدام محکوم شدند، درست نیست. حضور نیروی اطلاعاتی فقط از باب کارشناسی موضوع بوده و اصل موضوع و محاکمه توسط آقایان دادستان‌ها و حکام شرع صورت گرفت... به ضرس قاطع می‌توانم بگویم که این افراد در قالب شکل رسمی دادگاه محاکمه شدند، پرونده آنها را بررسی و مطالعه می‌کردند و با آگاهی از وضعیت سابقشان از آنها سؤال‌های بسیار می‌پرسیدند... اصلاً عده زیادی از محکومین به زندان، توسط همین کمیسیون به خاطر احراز توبه آزاد شدند... اما در این میان عده‌ای روی مواضع قبلی خود پافشاری می‌کردند، آن هم آدم‌هایی که عمدتاً روحیات جنایتکار و تروریستی در آنها تبلور و نمود داشت. جلسات محاکمه، جلسات طولانی و بعضاً چند نوبته بود؛ یعنی این که مطرح شود که فقط یک سؤال می‌کردند درست نیست. در واقع قضاتی که منصوب و معلوم شدند، از قضات متعهد و بنام کشور و از دادستان‌ها و رؤسای حقوقدان دادگاه‌ها بودند. گاهی اوقات با یک نفر، پنج تا ده ساعت صحبت می‌کردند تا به نتیجه برسند و اصل را بر قبول توبه و محکومیت اولیه می‌گذاشتند... البته مخفی هم نماند که همان زمان قانون این بود که گروهی که اعلام جنگ مسلحانه نسبت به جمهوری اسلامی ایران کنند حکم محارب دارند، و کسانی که حتی در عملیات مسلحانه شرکت نداشته‌اند ولی اعلام هواداری و سمپاتی به سازمانی که اعلام جنگ مسلحانه داشته، بکنند، مطابق قانون حاکم بر کشور مشمول قانون محاربه هستند. گرچه می‌توانم قاطعانه بگویم هیچ فردی مشمول این تبصره نگردد.<sup>۱</sup>

به گفته آقای اکبر هاشمی رفسنجانی تعداد اعدام‌شدگان زندانی در سال ۱۳۶۷ کمتر از هزار نفر بوده است. اما این آمار توسط عوامل ضدانقلاب مخصوصاً رسانه‌های بیگانه به دروغ به رقم چند هزار نفر افزایش یافت. منبع اصلی این دروغ‌پردازی نیز نامه محرمانه آیت‌الله منتظری به امام خمینی پس از این اعدام‌ها در سال ۱۳۶۷ بود که تصویر آن توسط عوامل نفوذی منافقین از بیت منتظری به شبکه بی‌بی‌سی تحویل داده شد و این نامه محرمانه در آنجا فاش و قرائت گردید.

لذا در شرایطی که متجاوزان منافق به فرماندهی مسعود و مریم رجوی با تمام توان نظامی و کمک‌های تسلیحاتی و حمایت صدام و آمریکا و اروپا به شهرها و روستاهای غرب کشور حمله کرده بودند، منتظری به جای محکوم کردن تجاوز آنها، به حمایت از آنان پرداخت و

۱. [farsnews.com/13950703000473](http://farsnews.com/13950703000473) و [tarikhirani.ir/fa/news/All](http://tarikhirani.ir/fa/news/All) و [news.gooya.com/politics/archives/2016/09/217929print.php](http://news.gooya.com/politics/archives/2016/09/217929print.php)



از سر کوب تروریست‌ها انتقاد نمود. او به جای زیر سؤال بردن رؤسای جمهوری عراق، امریکا و اروپا، مسئولان ایران را مورد انتقاد قرار داد!

در همین راستا، آقای منتظری با ارسال دو نامه پیاپی به امام خمینی<sup>۱</sup> در تاریخ‌های ۹ و ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۷ به دفاع از تروریست‌های معدوم پرداخت! وقتی دو نامه تند و هتاکانه او به امام بی‌جواب ماند، تصمیم گرفت اظهار نظرهای خود را وارد فاز جدیدی کند. منتظری با احضار مسئولین مرتبط با این موضوع، یعنی آقایان حسینعلی نیری، مصطفی پورمحمدی، سید ابراهیم رئیسی و مرتضی اشراقی و اتمام حجت با آنها، تلاش نمود تا از اجرای فرمان امام خمینی جلوگیری کند و جان تروریست‌ها را نجات دهد. از آن پس دیگر از حنجره منتظری تنها نوای رادیو مجاهد (منافقین) به گوش می‌رسید.<sup>۲</sup>

سپس این نامه‌های محرمانه که به قلم شخص دوم مملکت نوشته شده و در هر کشور مکاتبات چنین مقامات بلندبالای حکومتی، آن‌هم درباره مسائل حساس امنیتی، جز اسرار نظام و غیر قابل انتشار است، توسط بیت منتظری در اختیار منافقین و رسانه‌های خارج کشور مثل بی‌بی‌سی قرار گرفت؛ در حالی که این کار از بزرگترین جرایم امنیتی و سیاسی محسوب می‌شود.

انتشار نامه‌های منتظری کاملاً به زیان جمهوری اسلامی و به نفع منافقین تمام شد. دلبستگی‌های او به تروریست‌ها چنان مورد توجه سران این گروه در خارج کشور قرار گرفت که مسعود رجوی رهبر این سازمان، منتظری را نزدیکترین جریان به گروهش اعلام کرد. رجوی در دیدار با «سپهبد طاهر جلیل حبوش» مسئول سرویس کل اطلاعات ارتش عراق در زمان صدام، می‌گوید: منتظری نزدیک‌ترین جریان به سازمان مجاهدین خلق است. او با افشای اعدام زندانیان ما، بزرگترین بمب سیاسی را در درون رژیم منفرج کرد.<sup>۳</sup>

آقای منتظری در ادامه تلاش‌هایش برای نجات تروریست‌ها آنقدر مُصَرِّب بود که هیأت مربوط به اجرای حکم امام را نیز سریعاً به منزلش فراخواند و با خشم و تندی، آنها را به خاطر محاکمه و اعدام منافقین، جنایتکار نامید!<sup>۴</sup>

۱. آقای منتظری علاوه بر دو نامه فوق به امام، در تاریخ ۶۷/۵/۲۴ نیز یادداشتی خطاب به آقایان نیری قاضی شرع، اشراقی دادستان، رئیسی معاون دادستان، پورمحمدی نماینده اطلاعات در زندان اوین، برای سنگ‌اندازی در اجرای حکم امام فرستاد.

2. peirov.ir

البته سخنان تند منتظری در آن جلسه و پاسخ‌های اعضای این هیئت، گرچه کاملاً سری بود، اما انتشار فایل صوتی آن جلسه پس از ۲۸ سال توسط فرزند منتظری، مجدداً این موضوع را در صدر اخبار رسانه‌های ضدانقلاب علیه ایران قرار داد.

۳. صفاءالدین تیرائیان، خوابگردها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۲۹-۳۲۸.

۴. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه، که پس از ۲۸ سال در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ توسط فرزند منتظری، منتشر شد که این اقدام شیطنت‌آمیز موجب واکنش‌های زیادی گردید و ما در صفحات بعد به آن می‌پردازیم.





جای تعجب است، آقای منتظری به جای آن که تروریست‌هایی که هفده هزار زن و مرد و کودک بی‌گناه ایرانی را با وضع فجیع، شکنجه و ترور و شهید کرده‌اند و ده‌ها هزار نفر را نیز مجروح و معلول نموده‌اند و هزاران ماشین و ساختمان و اموال عمومی را به آتش کشیده‌اند را جنایتکار بنامد، مجریان قانون و مدافعان امنیت مردم و نظام اسلامی را محکوم می‌کند! حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضوی - که خود از شاگردان آقای منتظری بوده - در این خصوص می‌گوید:

آیت‌الله منتظری که این‌گونه در این جلسه به نقد موضع امام خمینی درباره «منافقان بر سر موضع» می‌پردازند و آن را به رگم مبنایی که خود ایشان در موضوع «باغیان» دارند و به آن اشاره خواهد شد، جنایت و خون‌ریزی بی‌سابقه و ماندگار در تاریخ و مایه ننگ می‌شمارند، چگونه حدود دو سال پیش از آن خود به صراحت خون آن همه امریکاییان را در هر کجای عالم که بودند، تنها به دلیل این که دولت متبوع آنان به مقر یکی از سران دولت‌های اسلامی حمله نظامی کرده است و نیز خون دیگری که به آنان جا و پناه دهند، هر چند مسلمان بودند، برای همه کسانی که قدرت داشته باشند، بدون تشکیل هیچ دادگاهی مباح و هدر می‌دانند؟! <sup>۱</sup> حال باید پرسید: چه فرقی است میان وابستگی صرف افراد به دولت امریکا که به صرف اقدام تجاوز کارانه دولت متبوعشان مهدورالدم اعلام شدند با این که نه تنها

۱. به گفته حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضوی: در ۲۶ فروردین سال ۱۳۶۵ جنگنده‌های امریکا با هدف کشتن سرهنگ قذافی - رهبر کشور لیبی - به مقر او در بنغازی حمله کردند. در این حمله تنها به دختر یا دختر خوانده وی آسیب رسید. نگارنده درست به خاطر دارد و در دفتر تقریرات درسی خود نیز یادداشت کرده است که روز بعد، مصادف با چهارشنبه ۲۷ فروردین، آیت‌الله منتظری تمام وقت جلسه درس فقه را که با حضور صدها نفر در حسینیه جنب بیت ایشان تشکیل می‌شد، به موضوع حمله امریکا اختصاص دادند و ضمن محکوم کردن شدید آن، به صراحت و قاطعیت و مستند به برخی ادله فقهی، بر جواز کشتن هر سرباز امریکایی و نیز هر امریکایی که وابسته به دولت امریکا باشد، در هر یک از کشورهای جهان که به سر ببرند، حکم کردند؛ و این حکم را به همه کسانی که به این امریکاییان پناه می‌دهند تسری دادند؛ با این بیان که دولت امریکا به سرزمینی اسلامی حمله کرده است، و از این رو خون همه وابستگان به چنین دولتی هدر است. ایشان در استدلال بر این حکم قاطع و عام که از نگاه ما شاگردان نیز موضعی اصولی و قابل دفاع بود، از جمله به آیه [۱۹۴ سوره بقره]: «فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْنَا فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْنَا»، استناد کردند و جالب آن که این سخن امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه را نیز در شمار آدله حکم خود ذکر کردند که حضرت (ع) طبق این نقل کشتن تمام سپاهیان جمل، به این دلیل که تنها یک نفر از مسلمانان را بی‌گناه کشته باشند، را برای خود حلال می‌شمارد، چه رسد که افراد زیادی را کشته بودند. یعنی همین که افراد به گونه‌ای وابسته به دولت امریکا بودند، هر چند به عنوان مثال کارمندی بیش در یک سفارتخانه امریکا نبودند و از پیش نیز حتی خبری از قصد حمله امریکا به مقر سرهنگ قذافی نداشتند، طبق این حکم مهدورالدم شمرده شدند! خون همه حامیان و پناه‌دهندگان به آنان نیز که مرحوم استاد [منتظری] از آنان به عنوان «مزدوران» نام بردند هدر اعلام شد؛ و واقعیت آن است که ما نیز همه، این موضع قاطع را، مطابق موازین شرعی و فقهی می‌دانستیم و نگارنده با همین تلقی گمان می‌کرد این سخنان آن روز در صدر اخبار داخلی مطرح خواهد شد. اما بر خلاف انتظار و گویا با توجه به بار حقوقی و پیامدهای آن انعکاسی نیافت. اما این حکم از موضع یک فقیه شناخته‌شده حوزه که در جایگاه قائم مقامی رهبری نیز بودند صادر شد. <http://www.mehnews.com/news/3740970>

در این اقدام شرکت نداشتند، بلکه چه بسا راضی به آن نیز نبودند؛ و میان زندانیان منافق و مجرمی که به رغم چند سال جنایت گسترده در کشتار بی گناهان و خیانت بزرگ سازمانشان در تجاوز نظامی به مرزها و شهرهای کشور، بر موضع وابستگی خود به این سازمان و سران آن پافشاری داشتند؛ سرانی که دستشان تا مرفق در خون هزاران زن و مرد و شخصیت‌های خدمت‌گذار مانند شهید مظلوم بهشتی و یاران وی و رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر کشور و امامان جمعه فرو رفته بود!<sup>۱</sup>

حجت‌الاسلام مرتضوی سپس با انتقاد از کسانی که فایل صوتی جلسه محرمانه مرداد سال ۱۳۶۷ منتظری با مجریان فرمان ولی فقیه را برای تطهیر چهره تروریست‌ها منتشر کردند، گفت:

کسانی که امروز با هدف نقد و تخطئه امام خمینی در این قضیه یا با هدف تردیدافکنی در برخی تصمیمات تاریخی دیگر ایشان... [این نوار را] منتشر می‌سازند و بخشی از نسلی که شناخت کافی از امام خمینی و آگاهی لازم از واقعیات گذشته را ندارند، دچار سردرگمی یا بدبینی می‌کنند، آیا شجاعت آن را دارند که متن صوتی آن جلسه درس [۲۷ فروردین] سال ۶۵ را نیز عیناً منتشر و در معرض آگاهی عموم، و از جمله برخی رسانه‌های بیرونی قرار دهند؟! و آیا آمادگی دارند از موضع قاطع فقیه عالیقدر در آن جلسه نیز دفاع فقهی کنند؟! و آن را به سایر اقدامات نظامی امریکا در برخی کشورهای اسلامی دیگر که شاهد بوده و هستیم گسترش دهند؟! به هر حال پیشنهاد نگارنده این است که متن آن جلسه درس سال ۶۵ نیز همانند متن سال ۶۷ در دسترس عموم قرار گیرد و امکان داوری میان موضع امام خمینی درباره منافقانی که افزون بر آن همه جنایت، به ویژه قتل‌ها و ترورهای سال ۶۰ با حمله نظامی و خیانت به کشور و قصد خام‌فروش چند روزه تهران و سرنگونی نظام، همچنان بر دفاع از آن [قصد خام] و هواداری و عضویت آن پافشاری می‌کردند، و موضع آیت‌الله منتظری در اعلام عمومی جواز کشتن امریکاییان و حامیان [آنها]، فراهم گردد.<sup>۲</sup>

آقای منتظری در همین جلسه چنان از اقدام تروریست‌ها عصبانی شده بود که اعلام کرد

۱. همان.

۲. همان.





از غصه مرگ آنها شبی سه، چهار ساعت خوابش نمی‌برد! او به جای آن که برای کودکانی که توسط منافقین یتیم، و زنانی که بی‌شوهر، و مادران و پدرانی که بی‌فرزند، و جوانانی که توسط این سازمان به طور وحشیانه شکنجه شده‌اند، غصه بخورد و بی‌خوابی بکشد، برای تروریست‌ها اشک ماتم می‌ریزد. کدام انسان عاقل اینقدر شیفته دشمنان ملتش است؟ آن هم در کشوری که مردم و مسئولانش بیشترین صدمه را از ناحیه تروریست‌ها دیده‌اند. آقای منتظری در حالی برای تروریست‌ها سینه چاک می‌کرد که آنها از کشتن و شکنجه و بمباران مردم ایران لذت می‌بردند، و مسعود رجوی که خود سر کرده آدم‌کشان بود، راحت و آرام می‌خوابید، و یک بار هم نگفت از غصه معدومین منافق خوابم نمی‌برد. اما منتظری برای آنها دایه دلسوزتر از مادر شده بود.

منتظری در همین جلسه اعتراف کرد که منافقین زندانی هنوز سر موضع مخالفت با جمهوری اسلامی هستند و از جنایات خود توبه نکرده‌اند. اما به دروغ می‌گفت رفتار زندان بانان باعث آن شده است! «اینها [زندانیان] اغلب سر موضع شدنشون واسه بر خوردنند امثال لاجوردی<sup>۱</sup> و افراد اینها بوده.»<sup>۲</sup>

گویا آقای منتظری می‌خواست از این آدمکش‌ها در داخل زندان مثل هتل پذیرایی شود و کمتر از گل به آنها نگویند! در حالی که هیچ کشوری در دنیا تروریست‌ها را روی پر قو نمی‌خواباند. هر کس به اندازه جرم و جنایتی که مرتکب شده باید در زندان مجازات شود، این عین قانون و عدالت است. باز آقای منتظری در ادامه سخنانش در همین جلسه می‌گوید:

قاضی شرع یکی از استان‌های کشور که مرد مورد اعتمادی می‌باشد... با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان اخیر... می‌گفت: مسئول اطلاعات یا دادستان... از یکی از زندانیان برای تشخیص این که سر موضع است یا نه، پرسید: تو حضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ گفت: آری. پرسید: حضری مصاحبه کنی؟ گفت: آری. پرسید: حضری برای جنگ با عراق به جبهه بروی؟ گفت: آری. پرسید حضری روی مین بروی؟<sup>۳</sup>

مرحوم حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در پاسخ به این بخش از سخنان منتظری می‌گوید: حضرت آیت‌الله، شما سپس نتیجه گرفتید و گفتید چون این شخص گفته است که من روی مین نمی‌روم محکوم به اعدام شده است و معامله «سر

۱. راجع به اختلاف نظر شهید سید اسدالله لاجوردی که دادستان وقت انقلاب بود با نظرات لیبرال‌منشانه منتظری، در پاورقی‌های بعد توضیح می‌دهیم.

۲. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه.

۳. همان.



موضوع» با او کرده‌اند. در حالی که همان قاضی شرع مورد اعتماد شما، پیش من آمد و صریحاً گفت: آقای منتظری به من دروغ نسبت داده است، من این گونه نگفتم... بعد مسئولین اطلاعات و امور قضایی آن استان را خواستم، آمدند و جریان را به آنها هم گفتم. آنها اظهار داشتند که اصلاً بحث این گونه نبوده است و تقریباً تمام این نوشته حضرت تعالی را تکذیب کردند.

اگر این مسائل را از اطلاعات و دادستانی به ما بگویند، چون حرف سربازان گمنام امام زمان است و آنها مهدی هاشمی را اعدام کرده‌اند پیش شما دروغ است، و اگر مخالفین و دستیارانش بگویند عین واقعیت است! بحث من این است که چرا همیشه کسانی که از منافقین و لیبرال‌ها دفاع می‌کنند، مورد اعتماد شما هستند، ولی کسانی که از اول با انقلاب و امام همراه بوده و هستند جنایت کارند؟<sup>۱</sup>

آقای منتظری در بخش دیگری از سخنان تندش در این جلسه، خشونت و کشتار و آدم کشی تروریست‌ها را «منطق و فکر» می‌نامد! و از مسئولان قضایی می‌خواهد که قیام مسلحانه منافقین علیه مردم ایران را با «فکر و منطق» پاسخ دهند نه با مجازات قانونی و شرعی! منتظری می‌گوید:

شخص نیستند اینا، به فکر و ایده اینها دارند، به روش است، به منطق ولو منطق غلط، با کشتن حل نمی‌شه و بدتر می‌شه... روش پیغمبر را با دشمنان خود در فتح مکه و جنگ هوازن ببینید به چه نحو بوده است؛ پیامبر با عفو و گذشت برخورد کرد و از خدا لقب «رحمت للعالمین» گرفت. روش امیرالمؤمنین با اهل «جمل» را پس از شکست آنان ملاحظه کنید. در جنگ جمل، طلحه و زبیر و عایشه و اینا اومدند با امیرالمؤمنین جنگ کردند، بعد هم... جنگ [که] تموم شد عبدالله زبیر، عایشه، اینا یک عده تو بصره توی به خونه بودند. به امیرالمؤمنین گفتند آقا یاروها اینجان [اینجا هستند]. گفت ولشون کن.<sup>۲</sup>

در پاسخ آقای منتظری باید گفت، اولاً فتح مکه در اینجا صدق نمی‌کند. چون دشمنان اسلام، در آنجا اسلحه و مخالفت‌شان را در مقابل پیامبر کنار گذاشتند، آنها از جنگ با مسلمانان دست کشیدند، تسلیم شدند و از موضع خود کوتاه آمدند. اما در اینجا منافقین

۱. حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، رنجنامه، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸، ص ۵۸.

۲. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه.



و تشکیلاتشان در برابر جمهوری اسلامی نه تنها چنین نکردند، بلکه تا آخر و به صورت مسلحانه بر سر موضع خود ایستادند و هیچ‌گاه جنگ خود را با ملت ایران پایان یافته اعلام نکردند.

ثانیاً لقب «رحمت للعالمین» فقط به خاطر عفو کفار مکه نبود که به پیامبر خدا داده شد، بلکه پیامبر در همه مواقع، چه در زمان اجرای حدود شرعی در جامعه، و چه در زمان جهاد و قتال با دشمنان اسلام، و به طور کلی در جنگ و صلح، «رحمت للعالمین» بود.  
ثالثاً پیامبر، هم «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» بود و هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».<sup>۱</sup> اگر ما پیامبر را فقط انسان تک‌بعدی معرفی کنیم آن هم به خاطر آن که چند تروریست محارب آزاد شوند؛ این، هم تحریف آشکار شخصیت پیامبر و تاریخ اسلام است؛ و هم تفسیر آیات قرآن به نفع منافقین؛ و هم ظلم بزرگی است در حق ده‌ها هزار مردم داغداری که همسر و فرزندانشان به دست منافقین ترور شده‌اند.

رابعاً منافقین ایران مصداق اسرای جنگ جمل نیستند. حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضوی می‌گوید:

جای شگفتی است که آیت‌الله منتظری در نقد بر خورد با این دسته از منافقان از جمله به رفتار امیرالمؤمنین (ع) با سران بازمانده جنگ جمل «استشهاد» می‌کنند، در حالی که قضیه منافقان بازداشتی از مصادیق جنگ صفین است نه جمل. و از سوی دیگر این استناد در حالی است که ایشان... در «استدلال» بر جواز کشتن تمام وابستگان به دولت امریکا و پناه‌دهندگان به آنان، از جمله به این سخن امیرالمؤمنین (ع) درباره اصحاب جنگ جمل استناد کردند که حضرت به دلیل کشته شدن حتی یک نفر از مسلمانان بی‌گناه به دست برخی از سپاهیان جمل، کشتن تمام آنان را به دلیل این که نظاره‌گر بوده‌اند و اقدامی برای ممانعت نکرده‌اند، برای خود مجاز شمرده است... [حال] چگونه می‌توان میان آن استدلال و این استشهاد را جمع کرد؟!<sup>۲</sup>

آقای منتظری با آن که سال‌ها مدرس درس اخلاق بوده از غصه دل‌سوزی برای تروریست‌ها، در آن جلسه چنان عصبانی شد که قادر به کنترل خود و فرو بردن خشمش نبود. به همین سبب همه استدلال‌هایی که برای دفاع از منافقین می‌کرد غیر واقعی و نادرست

۱. قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۹.

بود. حجت الاسلام سید ضیاء مرتضوی در این خصوص می گوید:

از نگاه فقهی موضع کلی امام خمینی درباره منافقین زندانی موضعی منطبق با موازین فقهی [است]... از این رو اگر هم کسی - به فرض - صدور آن دستور قضایی را توسط امام خمینی به هر دلیل بیرون از مصلحت بداند یا در اجرا، مواجه با اشکالاتی بشمارد، اما نمی توان دلیل و مبنای فقهی آن را که مورد اتفاق نظر فقهای ما هست نادیده گرفت... باید دید اگر چنین مواضع قاطعی نبود و با منافقان به رغم آن همه جنایت و خیانت و حمله نظامی با این نگاه برخورد می شد که به گفته آیت الله منتظری در همین جلسه، آنان یک فکر و یک منطق هستند، کار نظام و انقلاب به کجا می انجامید؟!<sup>۱</sup>

او در ادامه به نقد فقهی استدلال های آقای منتظری پرداخته و آن را مردود شمرده، و سپس حکم امام را در اعدام منافقین تروریست، با استناد به نظرات فقهای اسلام درست می داند و می گوید:

در این مجال تنها گذری کوتاه بر نظر اجماعی فقهاء در موضوع افرادی داریم که از گروه باغیان بازداشت و اسیر می گردند؛ با این توجه که اشکال اصلی از سوی آیت الله منتظری که مورد توجه و قبول برخی افراد قرار گرفته، این است که آن دسته از اعضاء و هواداران سازمان منافقین که هنگام حمله منافقان و مقابله با آنان در عملیات مرصاد، در زندان بودند و نوعاً دوره محکومیت خود را می گذرانند، جرم تازه ای مرتکب نشده بودند تا مجازات گردند، و مجازات آنان حتی اگر بر سر موضع خود بودند نادرست بوده است، و به معنای نادیده گرفتن احکام قضایی قبلی آنان است. [!]

[در حالی که] از نگاه فقهی همان گونه که در روایات چندی آمده و سیره امیرالمؤمنین (ع) در سه جنگ جمل، صفین و نهروان به خوبی شاهد است، و فقهای ما از گذشته تا حال از جمله آیت الله منتظری تصریح کرده اند، کسانی از مسلمانان که در اقدامی گروهی علیه حاکم و حکومت مشروع اسلامی دست به سلاح ببرند و به جنگ و مقابله با آن بپردازند، هر چند اهل عمل به ظواهر اسلامی مانند نماز و روزه باشند، با شرايطی در شمار «باغیان» قرار می گیرند و مشمول احکام آن خواهند بود که به تفصیل در منابع فقهی آمده است. یکی از این احکام مربوط به چگونگی رفتار با اسیران، زخمیان

۱. همان.





و فراریان «گروه باغی» از جمله پس از شکست در جنگ است. فقهای ما به روشنی و با اتفاق نظر در این موضوع، میان «باغیان» زخمی و اسیر و فراری که به رغم شکست در جنگ، همچنان دارای گروه و مرکزی هستند که بتوانند گرد آن آیند، مانند سپاه معاویه در جنگ صفین، حتی اگر آن گروه باقی مانده چند نفر هم باشند که توان سازماندهی دوباره را داشته باشند، و میان کسانی که گروهشان کاملاً از هم پاشیده و قدرت سازماندهی دوباره را ندارند یا چنین قصدی ندارند، مانند گروه شکست خورده و از هم پاشیده جمل و خوارج فرق گذاشته‌اند. در فرض نخست همان گونه که در روایت «حفص بن غیاث» آمده، اسیران کشته می‌شوند، فراریان رها گذاشته نمی‌شوند تا کشته شوند، و زخمیان نیز کارشان تمام می‌شود و باقی گذاشته نمی‌شوند؛ چنان که امیر المؤمنین (ع) با برخی اسرای صفین چنین کرد. در صورت دوم، که خطری از سوی این بازماندگان، حکومت و جامعه اسلامی را تهدید نمی‌کند، با فروکش کردن جنگ و از هم پاشیدن کامل «گروه باغی»، کسی نباید متعرض آنان شود؛ چنان که در هر حال نباید متعرض زنان و کودکان و سالخورده‌گانی از آنان که توان جنگ ندارند شد.

[لذا] اصل فرق گذاری یادشده، چنان که «علامه حلی» خاطر نشان کرده امری اجماعی و مستند به ادله متعددی است که مرحوم استاد [منتظری] نیز در جلد سوم *دراسات فی ولایه الفقیه و الحکومه الاسلامیه* به خوبی و بیش از همه جمع آوری و به آنها استناد کرده است. در میان اهل سنت نیز از جمله ابوحنیفه و برخی شافعیان همین نظر را دارند. این است که تعبیر «یجاز علی جریحهم و یتبع مدبرهم و یقتل اسیرهم» و مشابه آن بارها در متون فقهی ما تکرار شده است. علامه حلی پس از این جمله افزوده است: فرقی نمی‌کند که آن گروه باقی مانده که فراریان و اسیران و زخمیان به آنان ملحق می‌شوند، در میدان باشند یا در جای دیگر باشند، نزدیک باشند یا دور باشند.

«شهید ثانی» نیز خاطر نشان کرده است که به اجماع فقهای ما اگر گروه باغی جنگ را رها کنند رها می‌شوند و نباید متعرض آنان شد یا اگر شکست بخورند در پی شکست خوردگان نباید رفت، و باید به پراکنده ساختن آنان و به هم زدن گروهشان بسنده کرد، مگر این که دسته‌ای داشته باشند که



به آنان ملحق شوند؛ در این صورت باید در پی فراریان رفت، کار زخمیان را تمام کرد و اسیران را کشت... این که حضرت امام خمینی در برخورد با زندانیان موضوع بحث، میان کسانی که همچنان بر موضع خود در وابستگی به سازمان منافقین و حمایت از آن پافشاری می کردند و دیگری که بر سر موضع خود نبودند، فرق گذاشتند، به همین ملاک شرعی برمی گردد؛ که با وجود بقای مرکزیت منافقان، آن هم در سایه جاسوسی و مزدوری برای رژیم متجاوز بعثی [صدام] و همراهی با جنایت کاران حاکم بر عراق و سران ارتجاع منطقه و دشمنان نظام و کشور، و در سایه حمایت آنان، آن دسته از منافقانی که سر موضع خود بودند، در شمار دسته نخست بودند و از نگاه فقهی فرقی نمی کند که اینان پیش از شروع جنگ بازداشت و اسیر شده باشند، یا هنگام آن، یا پس از آن، و این که به دلیل ارتکاب جرم محاکمه شده باشند یا نه.<sup>۱</sup>

آقای منتظری بدون توجه به جایگاه علمی و فقهی امام خمینی که هم اعلم از او است، و هم ولی فقیه جامعه بود، به مخالفت با فتوای او علیه تروریست ها پرداخت. حجت الاسلام علی رازینی - از مسئولان وقت قوه قضائیه - درباره اعدام های سال ۱۳۶۷ منافقین و شبهاتی که اخیراً حامیان آنها در این زمینه مطرح کرده اند، می گوید:

اگر امام بنا بود بی حساب و کتاب حکم اعدام بدهد، آن طور که ضد انقلاب می گوید، دیگر نیازی نبود که هیئت سه نفره تشکیل دهد. همان جا در زندان اعلام می شد که اینها را اعدام کنند. از جمله حاکم شرع، که حاکم شرع هم فرد خاصی که از طرف مراجع بالا انتخاب شود نبود، بلکه همان حاکم شرعی بود که از قبل برای [هر یک از] شهرها انتخاب شده بود. کسی که رئیس دادگاه انقلاب فرضاً سمنان یا مشهد بود و دادستان انقلاب همان شهر که به شکل عادی مسئولیت دارد، به اضافه نماینده [اداره] اطلاعات آن شهر، هیئت سه نفره را تشکیل می دادند که گاهی جلسات محاکمه حدود یک ساعت طول می کشید و عده ای را محکوم به اعدام کرده و عده ای را خیر. با این که [قاضی] دادگاه های انقلاب در آن زمان یک نفره بود، [اما محاکمه هر یک از منافقین در] این دادگاه ها به شکل جمعی [توسط هیأت

۱. همان؛ البته آقای مرتضوی این نکته را نیز یاد آور شد که حتی آیت الله یوسف صانعی نیز سال ها پیش، حکم امام خمینی را علیه منافقین تأیید نموده، و در جلسه درس خود، به نقد مخالفت آیت الله منتظری با حکم امام خمینی پرداخته و به این نکته اشاره کرده که «حکم امام در مقابله با منطق ترور و علیه آن بود.»





سه نفره قضاوت و [مدیریت شده است و رسیدگی‌ها به شکل اجماعی انجام می‌شد... به هر حال رسیدگی‌ها در سال ۶۷ عادلانه و کاملاً طبق قانون بوده است.<sup>۱</sup>

### تشکیل هیأت‌های عفو منتظری برای نجات تروریست‌ها

یکی دیگر از اقدامات آیت‌الله منتظری تشکیل «هیأت عفو» بود که در سال ۱۳۶۵ آن را به راه انداخت. او از طریق آن، افراد تروریست زندانی را به راحتی عفو و از زندان رها می‌کرد. اما بسیاری از آنها پس از عفو، مجدداً به سازمان منافقین می‌پیوستند و علیه جمهوری اسلامی دست به عملیات نظامی، جاسوسی، ترور و خرابکاری می‌زدند. به همین جهت روز ۱۲ مهر سال ۶۵ امام خمینی ضمن انتقاد به آیت‌الله منتظری، نوشت:

آزادی بی‌رویه چند صد نفر منافق، به دستور هیأتی که با رقت قلب و حسن ظنشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدی‌ها را بالا برده است. ترحم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسفندان.

اقدامات خودسرانه آقای منتظری در امور قضایی از جمله آزادی بدون ضابطه زندانیان، گزارش‌های غلط نمایندگانش در امور زندان‌ها سر دراز دارد. این قضیه - همان‌طور که خود آیت‌الله منتظری نزد امام اعتراف کرده بود - منجر به این شد که منافقین «تندتند از زندان‌ها آزاد شوند». اقدامی که مورد اعتراض سایر نهادها و چهره‌های قضایی و مردم داغدار و حتی خود امام قرار گرفت. یکی از منتقدان عفوهای بی‌ضابطه منتظری، شهید سید اسدالله لاجوردی - دادستان وقت انقلاب - بود. حجت‌الاسلام علی رازینی - از مسئولان وقت قوه قضائیه - در این زمینه می‌گوید:

بحث اختلاف آقای منتظری و مرحوم لاجوردی از این قرار بود، قبل از آن که مرحوم منتظری از قائم‌مقامی بر کنار شود شهید لاجوردی ایشان را قبول نداشت؛ چون یک جاهایی ایشان دیده بود که آن مرحوم [منتظری] تحت تأثیر منافقین حرف می‌زند... [لذا] خیلی صریح در مقابل خواسته‌های غیر متعارف منتظری ایستادگی می‌کرد. مثلاً وقتی دستور می‌داد که فلان زندانی آزاد شود شهید لاجوردی ترتیب اثر نمی‌داد. بنابراین مرحوم منتظری بسیار فشار آورد که ایشان عوض شود. بنده که دادستان شدم، احساس کردم باید زمینه منتفی کردن ادعاهای اطرافیان آیت‌الله منتظری

رافراهم کنیم. یکی از بهانه‌ها این بود که مثلاً گروهی از زندانیان که حکم‌های یک‌ساله داشتند و دوره محکومیت آنها نیز تمام شده بود، به دلیل این که همچنان با منافقین در ارتباط بودند از زندان آزاد نشده بودند، و صحبت شهید لاجوردی هم این بود که اگر اینها را رها کنیم فردا باید دوباره با صرف هزینه آنها را در خانه‌های تیمی دستگیر کنیم. بنده آمدم مشخصاً با این ۱۰۰۰ نفر مصاحبه کردم. تعدادی از اینها فعالیت گروهی داشتند. مثلاً در همان زمان که در زندان هم بودند اعلامیه پخش می‌کردند و زندانیان را تحریک می‌کردند. ما گفتیم اینهایی که چنین اقداماتی در زندان انجام داده‌اند را دوباره بازجویی کنیم تا به اقدامات داخل زندان خود اعتراف کنند. تا دلیل منطقی برای تجدید محاکمه آنها داشته باشیم. بنابراین پس از بررسی‌های دقیق و گزارش‌های مکتوب با کیفرخواست‌هایی که برای آنها تهیه شد دوباره دادگاه برگزار کردیم.<sup>۱</sup>

مسئله عفو منتظری آنقدر به کام منافقین شیرین آمد که سازمان به اعضای زندانی‌اش دستور داد «توبه نمایی» کنند تا زودتر آزاد شوند و به جنایات خود ادامه دهند؛ چون او تحت پوشش هیأت عفو به آزادی بی‌رویه تروریست‌ها می‌پرداخت. شاید بتوان راز این که تعداد قابل توجهی از کشته‌شدگان منافق در عملیات مرصاد را، آزادشدگان سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ تشکیل می‌دهند، در هیأت عفو آقای منتظری جست‌وجو کرد.

به عبارت دیگر منتظری پیش‌تر منافقینی را که ذره‌ای قابل تخفیف برای آزاد شدن بودند، از زندان‌ها بیرون کشانده و آزاد کرده بود و زندانیان باقی‌مانده افراد اصلی تشکیلات و به معنای حقیقی کلمه «تروریست» بودند. بنابراین در تابستان سال ۱۳۶۷ دیگر کسی از منافقین به خاطر مسائل قابل چشم‌پوشی در زندان نمانده بود؛ هر چه بود فعالین نظامی سازمان در داخل ایران بودند که قبل، حین یا بعد از عملیات تروریستی دستگیر شده بودند و حتی با «سیاست درهای باز» هیأت عفو منتظری هم قابلیت آزاد شدن نداشتند.

از سوی دیگر تحلیل آماری کشته‌شدگان منافقین در عملیات فروغ جاویدان خود یک شاهد زنده و گواه مستندی است بر فرمان درست امام خمینی و دلسوزی نابجا و ساده‌لوحانه منتظری. سازمان منافقین در کتابی به نام *یادنامه شهیدان فروغ جاویدان* - که در خارج از کشور منتشر کرده - تعداد کشته‌شدگان این عملیات را ۱۳۰۴ نفر برشمرده. آنها همچنین در جای دیگر ادعا می‌کنند که ۲۷۰ نفر از کشته‌شدگان این عملیات، «زندانیان رژیم آخوندی»



بودند؛ یعنی افرادی که محکوم شده بودند و در زندان‌ها بودند، ولی توسط هیأت‌های عفو منتظری یا به هر دلیل دیگری آزاد شده بودند و بار دیگر به سازمان منافقین پیوسته بودند. به این ترتیب با یک حساب سرانگشتی از آمار ارایه شده توسط منافقین، می‌توان دریافت که یک، پنجم کشته‌شدگان آنها در فروغ جاویدان، زندانیان آزاد شده سال‌های گذشته توسط آقای منتظری بوده‌اند.<sup>۱</sup> اما آمار دیگری گویای آن است که حدود ۱۳۰۰ نفر از زندانیان منافق و تروریست توسط آیت‌الله منتظری عفو و آزاد شده‌اند، ولی معادل همین تعداد هم در هنگام تهاجم منافقین در مرداد سال ۱۳۶۷، در عملیات مرصاد کشته شدند. ضمن آن که تعدادی از عفوشده‌ها در ایران و شهرهای خود باقی ماندند و مخفیانه به جاسوسی و خدمات دیگر برای سازمان خود پرداختند یا در حالت آماده‌باش برای ایجاد آشوب و اغتشاش به سر می‌بردند. همچنین تعداد زیادی از عفوشدگان هم که در عملیات فروغ جاویدان شرکت داشتند زنده ماندند و دوباره به پادگان اشرف در عراق بازگشتند. تعدادی نیز بعد از آن به ترکیه و کشورهای اروپایی رفتند و علیه جمهوری اسلامی تبلیغات نمودند.

علاوه بر این، به نوشته یکی از مورخان، پس از شکست عملیات فروغ جاویدان سازمان منافقین در سوم مرداد سال ۱۳۶۷، صرف نظر از کشته و زخمی شدن عده زیادی از آنها، شمار قابل ملاحظه‌ای از منافقان مسلح متجاوز، به اسارت جمهوری اسلامی درآمدند که به زندان‌های اوین تهران و گوهردشت کرج منتقل شدند. از قضا مشخص شد که تعداد زیادی از اینها کسانی بودند که سابقه بازداشت در ایران دارند و به خاطر توبه ظاهری و اظهار ندامت، توسط منتظری عفو و از زندان آزاد شده‌اند و دوباره به فرقه رجوی پیوسته‌اند. در نتیجه قضات پرونده بی‌درنگ آنان را مصداق باغی، شورشگر مسلح و برهم‌زننده امنیت کشور و قیام علیه نظام اسلامی ملت ایران تشخیص داده و به مرگ محکوم کردند که احکام صادره اجرا شد.<sup>۲</sup>

### اقدام مشترک منافقین و منتظری

یکی دیگر از اقدامات مشترک منافقین در خارج و آیت‌الله منتظری در داخل، طرح این موضوع کذب بود که جمهوری اسلامی دختران مجرد محکوم به اعدام را ابتدا به عقد موقت زندانبانان درمی‌آورد و سپس اعدامشان می‌کند!

اولاً اعدام دوشیزگان و عقد آنها همه شایعات ساخته و پرداخته منافقین برای تطهیر

1. Peirov.ir

۲. صفاءالدین تبرائیان، همان، ص ۳۲۹.

جنایات و خیانت‌هایشان به کشور، و تخریب وجهه نظام اسلامی بود.

ثانیاً تا وقتی آقای منتظری در منصب قائم‌مقام رهبری بود، چون در بین مخالفین جمهوری اسلامی بسیار منفور بود این شایعه در مورد ایشان رایج بود که منتظری گفته دخترها را اعدام نکنید، اول آنها را صیغه کنید و بعد اعدام کنید. در خارج از کشور هم منافقین این موضوع را برجسته کرده بودند. اما به محض این که امام ایشان را از این منصب برکنار کرد، منافقین و سایر مخالفین نظام در سنگر حامیان منتظری قرار گرفتند و همه آنها به اضافه خود منتظری و عوامل بی‌تثیش این اتهام دروغ را متوجه دولت جمهوری اسلامی کردند. در حالی که اصل ماجرا دروغ و یک شایعه سیاسی بود. اما آقای منتظری به جای تکذیب این شایعه، به آن دامن زد.<sup>۱</sup>

### انتشار فایل صوتی منتظری در دفاع از منافقین

یکی از مهمترین شیپنت‌های وارثان سیاسی منتظری پس از مرگش، انتشار فایل صوتی او در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ بود. این فایل حاوی سخنان تند و انتقادی آیت‌الله منتظری نسبت به اعدام منافقین - همزمان با هجوم نیروهای این سازمان با چتر حمایتی ارتش صدام - بود، که بسیار خبر ساز شد. در این فایل چهل دقیقه‌ای، ۲۳ دقیقه ابتدای آن سخنان منتظری این سخنان و ادامه‌اش سخنان یکی از مسئولین قضایی درباره ادعاهای غلط اوست. منتظری این سخنان را روز ۲۴ مرداد سال ۱۳۶۷ بیان کرده است. او که مدت نُه ماه بود عزا دار اعدام سید مهدی هاشمی بود،<sup>۲</sup> از در حمایت از منافقین و حمله به امام و نظام در آمد. او پیش از آن نیز برای دفاع از تروریست‌ها، به نگارش دو نامه تند و هتاکانه به امام (در روزهای ۹ و ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۷) پرداخته بود. او پس از آن که نامه‌هایش به نتیجه نرسید، از چهار نفر از مسئولان مرتبط با مجازات منافقین، آقایان نیری (حاکم شرع)، اشراقی (دادستان)، رئیسی (معاون

۱. غلامرضا خار کوهی، همان.

۲. سید مهدی هاشمی در صفحه ۲۴ پرونده بازجویی خود راجع به ردائال اخلاقی‌اش نوشته بود: «خصلت‌های شیطانی مانند قدرت‌طلبی که نتیجه غرور و عجب بود، و خودمحوری و استبداد فکری، ریا، تکبر، خودبزرگ‌بینی، مراا حاطه کرده بود و منشاء بسیاری از بر خوردهای عملی‌ام در قتل‌ها، انباشتن اسلحه و مهمات، افشاگری علیه مسئولان و... از این خصلت شیطانی سر چشمه گرفته بود.» به همین جهت او دستش به خون بیش از صد نفر آلوده بود و گروه‌های متعدد ترور و آدم‌ربایی را در قتل و بعد از انقلاب سازماندهی و رهبری می‌کرد؛ بیش از ۲۸۰ قبضه سلاح و مهمات و اموال بسیاری از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سرقت برد و مخفی کرد. و نیز به ایجاد شبکه نفوذ در ارگان‌ها و ادارات مختلف و سرقت اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده پرداخت. در حالی که امام خمینی دستور بازداشت و محاکمه او را داده بود و طی نامه‌ای محترمانه به آیت‌الله منتظری نوشته بود: «من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است؛ والا هیچ عکس‌العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام حتمی است»، باز آقای منتظری از او دفاع می‌کرد و او را مثل یک قدیس مورد حمایت قرار می‌داد.





دادستان) و پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات در زندان اوین) دعوت کرد تا به منزلش بروند. منتظری در این دیدار محرمانه، از این که تروریست‌ها محاکمه و اعدام شده‌اند به شدت انتقاد کرد، و البته پاسخش را هم شنید.

تا این که هفده سال بعد از آن دیدار، ورثه سیاسی آیت‌الله منتظری - پس از مرگش - فایل صوتی آن جلسه را منتشر کردند. این اقدام چند روز پس از آن صورت گرفت که رسانه‌های ضدانقلاب به مناسبت سالگرد اعدام منافقین موج تبلیغاتی تکراری هر ساله را به راه انداخته بودند. انتشار این فایل سوژه تبلیغاتی جدیدی بود که بیت منتظری در اختیار آنها گذاشت، و مورد استقبال گسترده شبکه‌های غربی و مخصوصاً منافقین قرار گرفت.<sup>۱</sup>

اما انتشار این فایل چه چیزی را هدف قرار می‌داد؟ شاید لایه اول تحلیل‌ها و واکنش‌های خبری انتشار این صوت، متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران و دستگاه قضایی وقت باشد. اما حقیقت این است که انتشار آن مثل همه ادعاهای منتظری و یارانش، بیش از هر چیز شخص امام خمینی را هدف قرار می‌داد. انتقام‌گیری بیت منتظری از امام خمینی، هر زمان شکل متفاوتی به خود می‌گیرد، اما محتوایش ثابت است.<sup>۲</sup> یکی از بهترین روش‌ها درباره شیخ حسینعلی منتظری این است که او را با خودش نقد کنند. او که به اجرای حکم اعدام علیه منافقین جنایتکار اعتراض می‌کند، در فروردین سال ۱۳۶۵، حمله کنندگان به کشور لیبی را محکوم به اعدام دانست، حتی افرادی که با حمله کنندگان خوش و بش بکنند! حال باید منصفانه از آقای منتظری پرسید چرا او برای افراد تهاجم‌کننده به کشور لیبی، حتی کسانی که با مهاجمان خوش و بش بکنند، صراحتاً «حکم قتل» صادر می‌کند؟! ولی برای تروریست‌هایی که به کشور خود - ایران - حمله کرده‌اند و هفده هزار نفر از مردم بی‌گناه ما را شهید و ده‌ها هزار نفر را اسیر و شکنجه و زخمی کرده‌اند، حکم قتل نمی‌دهد، بلکه از آنها دفاع می‌کند؟! این سؤالی است که هیچ‌گاه منتظری به آن پاسخ نداد. چون از یک سو دفاع از منافقین با روح و جان او عجین شده بود، و از سوی دیگر او می‌خواست انتقام اعدام سید مهدی هاشمی را به این طریق از امام و نظام بگیرد.

البته انتشار فایل صوتی منتظری، اعتراضات زیادی را در ایران به دنبال داشت. برخی از این واکنش‌ها را در اینجا ارایه می‌کنیم:

- بیانیه مجلس خبرگان رهبری: نوار صوتی منتظری آب به آسیاب دشمن ریختن بود...

۱. پیش از آن نیز در اوایل فروردین سال ۱۳۶۸ شبکه بی‌بی‌سی یکی از این نامه‌های محرمانه او را که توسط عوامل نفوذی منافقین در بیتش به آنها رسیده بود، افشا و آشکار کرد و صدمات جبران‌ناپذیری به حیثیت ملت ایران وارد نمود. این نامه را آیت‌الله منتظری در حمایت از تروریست‌ها خطاب به امام خمینی (ره) نوشته بود.

2. <https://article.tebyan.net>

ریشه این گونه شیطنت‌ها، حقد و حسد نسبت به امام و نظام است.

- آیت‌الله محمد محمدی وزیر اطلاعات سابق با بیان این که آنچه در فایل صوتی آمده، حرف تازه‌ای نیست، گفت: انتشار این نوار سند روشن دیگری بر حقانیت سخن امام مبنی بر نفوذ منافقین در بیت منتظری است.

- آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه با بیان این که جنایت‌های منافقین سیاه‌دل تطهیرشدنی نیست گفت: باید تأسف خورد که برخی با پخش فایل‌های صوتی مستمسک به رسانه‌های غربی دادند... احکام محاربین قابل خدشه نیست... منافقین بدتر از داعش بودند.

- آیت‌الله سید حسن خمینی نوه امام (فرزند سید احمد خمینی) گفت: کسانی که از امام بغض دارند تا آخر نیز خواهند داشت... محبت مردم به امام ریشه در باورمندی دینی، اعتقاد قلبی و پیوند عاطفی آنها دارد، و سؤال این است کسانی که این نقطه را هدف قرار می‌دهند چه امید و هدفی دارند؟

- حجت‌الاسلام دکتر سید حمید روحانی مورخ نهضت امام و رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی گفت: وقتی که منافقین به ایران حمله کرده و وارد کشور شدند، منافقینی که در زندان بودند و به ظاهر توبه و اظهار ندامت کرده بودند، به نفع آنها در زندان‌ها آشوب و شورش به پا نمودند؛ در نتیجه حکمشان به اعدام تبدیل شد.

- آیت‌الله موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی در دوران امام خمینی، سخنان منتشر شده از حسینعلی منتظری را ناشی از اطلاعات غلطی دانست که مغرضانه به وی منتقل شده است. وی گفت: منافقین رذل‌ترین و خشن‌ترین گروهی بودند که به محاربه با نظام اقدام کردند.

- آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با بیان این که زحمات احمد آقا خمینی برای اسلام، ایران، تشیع و انقلاب بی‌نظیر است، تأکید کرد: یکی از اهداف شوم دشمنان از طرح مسائل اخیر، خدشه وارد کردن به جایگاه مرحوم حاج احمد آقا و بیت معزز امام در جامعه است که نباید اجازه داد به اهداف خود برسند.

- حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری عضو دفتر امام خمینی با بیان این که آقای منتظری از جدایی از امام هیچ نفعی نبرده است، گفت: کسانی که ذهن آقای منتظری را به مسائل غیر واقعی آلوده کرده‌اند، دفاع ایشان از لیبرال‌ها و منافقین را هم باعث شدند، و آنها این نوارها را پخش کرده‌اند. انتشار این نوار بعد از ۲۸ سال وقتی که سردمداران استکبار و تکفیری‌ها با منافقین نشست و برخاست می‌کنند، احیای آنان و مشروعیت‌زایی برای



آنهاست.

- دکتر محسن رضایی گفت: امام عزیز پیش بینی کرده بود که پس از او به احمد آقا هجوم کنند؛ امروز، بی بی سی، آل سعود و اسراییل برای زیر سؤال بردن امام، دور جدیدی از حملات را به احمد آقا شروع کرده اند.

- دکتر علی اکبر ولایتی رئیس وقت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: زمان وزارت تم یک سفارت خانه عربی با ظاهر انقلابی در بیت آقای منتظری نفوذ کرد.

- حجت الاسلام سید علی خمینی فرزند سید احمد آقا گفت: امروز یک عده ای برای منافقین دل می سوزانند که چرا اعدام کردید؟ آنها کسانی بودند که در مقابل حکومت ایستادند و جنایاتی کردند که داعش آنها را نمی کرد؛ اگر امام خمینی در مقابل این جنایات نرمش از خود نشان می داد کشور پس از سی سال هم رنگ آرامش به خود نمی دید.

- سردار سنایی راد معاون سیاسی وقت سپاه گفت: آرشویی که این روزها فرزند منتظری منتشر کرد در جهت سناریویی بزرگتر است که در برجام بعدی با بهانه های حقوق بشر دنبال خواهد شد، گرچه او تنها یک بازیچه و بازی خورده است.<sup>۱</sup>

- غلامرضا خارکوهی تاریخ نگار انقلاب اسلامی گفت: کار کسانی که دست به انتشار نوار صوتی مشکوک آقای منتظری زدند، کمتر از جنایات منافقین علیه ملت ایران نیست و باید به اشد مجازات برسند. عجیب تر از همه، اقدام سؤال برانگیز آقای علی مطهری است که به جای افشای چهره جنایت بار و تروریستی منافقین و حامیان غربی و عربی شان، خواستار عذرخواهی برخی از مقامات سابق جمهوری اسلامی در این زمینه شده است! به طوری که متأسفانه نامه آقای علی مطهری<sup>۲</sup> در ادامه انتشار نوار صوتی منتظری، در شبکه ها و سایت های خبری جهان به مهمترین دستاویز رسانه ای علیه امام و جمهوری اسلامی تبدیل شده است.<sup>۳</sup>

- حمید رسایی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در واکنش به نامه مطهری به وزیر وقت دادگستری در خصوص اعدام منافقین در سال ۱۳۶۷ گفت: علی مطهری دقیقاً ویژگی های منتظری را دارد؛ فردی ساده لوح که خیلی راحت می شود او را بازی داد.

- مرتضی نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به پخش فایل صوتی منتظری از رادیو بی بی سی گفت: آنچه پخش شد برای تطهیر جنایات منافقین بود. اما جنایت های منافقین هیچ گاه از یاد ملت ایران نمی رود.

۱. پایگاه اطلاع رسانی نسیم آنلاین - Nasim News Agency

۲. علی مطهری نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی.



- یادداشت مهدی فضائلی، روزنامه‌نگار: دشمن با انتشار فایل صوتی که سال‌ها پیش متن مکتوب او منتشر شده بود، به دنبال احیاء و مظلوم‌نمایی یکی از جنایتکارترین گروه‌های تروریستی است؛ گروهکی که دامنه جنایتش به ملت ایران محدود نشده و آکراد و شیعیان عراقی نیز طعم تلخ وحشیگری آنها را چشیده‌اند.

- یادداشت محمد کاظم انبارلویی، روزنامه‌نگار: منافقین در جنایات پیش‌تازتر از داعشی‌ها بودند. آنها همان کسانی بودند که پوست سر بچه‌های پاسدار عضو کمیته انقلاب را زنده زنده کردند و آنها را سوزاندند. داعشی‌ها در خشونت به پای منافقین نمی‌رسند.

- حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان گفت: اقدام احمد منتظری در انتشار فایل صوتی چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، در جهت هم‌سوئی با تکفیری‌ها صورت پذیرفته، و در این میان او و برخی دیگر از اصحاب فتنه امریکایی - اسرائیلی سال ۱۳۸۸ چه بخواهند و چه نخواهند، پادویی انگلیس، امریکا و سعودی‌ها را به دوش می‌کشند.

- قدرت‌الله علیخانی نماینده ادوار مجلس با بیان این که جنایت‌های منافقین ده‌ها مرتبه بدتر از اقدامات داعش بوده است، گفت: من اقدامات اخیر منافقین را با پخش فایل صوتی صحبت‌های آیت‌الله منتظری بی‌ارتباط نمی‌دانم.<sup>۱</sup>



۱. غلامرضا خار کوهی، همان.